

تأسیس بانک توسعه سرمایه گذاری به منظور

تخصیص بهتر منابع یارانه‌ای دولتی

محمد ایرانمنش*

چکیده

بانک‌های توسعه‌ای در اثر تحولات بین‌المللی اقتصادی و اقتصادهای ملی، دستخوش تحولاتی شدند و با بازارهای مالی داخلی و خارجی پیوند بیش‌تری یافته و به تدریج استقلال بیش‌تری در سیاست‌گذاری‌ها و در تخصیص منابع، پیدا کردند. امروزه بیش از ۵۵۰ بانک توسعه‌ای در جهان وجود دارد که حدود ۵۲۰ بانک آن در سطح ۱۸۵ کشور مشغول فعالیت‌اند و جایگاه موفق این بانک‌ها در راهبردهای توسعه اقتصادی کشورها مشخص شده است، بنابر ماهیت ویژه و مأموریت تعریف شده آنان، از برخی حمایت‌های دولتی مانند وام‌های بلندمدت با بهره‌های مناسب، تضمین استقراض خارجی و معافیت‌های مالیاتی و غیره برخوردارند.

در این مقاله با مرور حدود ۱/۵ قرن تحولات بانکداری توسعه‌ای در جهان و حدود نیم قرن تجربه کشورمان در این زمینه، نشان داده‌ایم که عملکرد موفق یک بانک توسعه‌ای به‌رغم

* استاد مدعو دانشگاه تهران

ضرورت ارتباطات گسترده و برخی حمایت‌های دولتی، مستلزم تعریف جایگاه مناسب آن در برنامه‌های توسعه و سیاست‌های ملی و استقلال نسبی آن در مدیریت است. استقلال نسبی مدیریت بانک توسعه‌ای در پیوند با منابع مالی غیردولتی مانند بازار سرمایه و برخورداری از یک نظام حکمرانی شرکتی مناسب^۱ میسر است. منظور از نظام حکمرانی شرکتی مناسب، مجموعه منسجمی از روش‌ها و سازوکارهای نظارتی و انگیزشی است که موجب تحقق اهداف سازمان (بانک) و حفظ حقوق و منافع سهامداران آن می‌شود.

مقدمه

تصمیم در مورد تأسیس یک بانک توسعه جدید، تصمیمی راهبردی است که نقد جنبه‌های مثبت و منفی آن مطالعات مفصلی را می‌طلبد. در این مقاله سعی شده که با توجه به تجارب موجود در مورد بانک‌های توسعه‌ای و همچنین مطالعات موجود در زمینه بانکداری توسعه‌ای در جهان و در ایران، پیشنهادهایی عملی ارائه گردد.

تصمیم در مورد تأسیس چنین بانکی با ویژگی‌های موردنظر، مستلزم پاسخ به سؤالات اساسی زیر است:

۱. بانک توسعه‌ای چیست و اهداف و وظایف آن کدام است؟ این نوع بانکداری با بانکداری تجاری چه فرقی دارد؟

۲. سابقه تاریخی بانکداری توسعه‌ای در جهان چگونه بوده است؟ تجارب ارزنده آن کدامند؟

۳. تجربه ایران در بانکداری توسعه‌ای در قبل و بعد از انقلاب چگونه بوده است؟

۴. آیا به بانک توسعه‌ای جدیدی نیاز است؟ اگر چنین است ویژگی‌های کلی این بانک با

توجه به تجارب ایران و جهان و شرایط و مقتضیات اقتصاد سیاسی ایران چگونه باید باشد؟

بانکداری توسعه‌ای چیست؟

در مورد بانکداری توسعه‌ای^۱ تقریباً در هیچ یک از کتب دانشگاهی پول و بانکداری، حتی اشاره‌ای نشده است. اما تاکنون چندین کتاب در این زمینه توسط بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، یونیدو، بانک جهانی، بانک‌های توسعه‌ای برخی کشورها، سازمان ادیپا (انجمن مؤسسات مالی توسعه‌ای آسیا و پاسیفیک)^۲ و عده‌ای از محققان و صاحب‌نظران، نگاشته شده است که شاید در مجموع به بیش از بیست کتاب نرسد.

باید اذعان داشت که هنوز نظریه‌ای جامع و مورد اجماع - آن‌گونه که درباره بانکداری تجاری یا بانکداری عادی موجود است - در مورد بانکداری توسعه‌ای وجود ندارد. شاید علت آن باشد که اولاً قدمت این نوع بانکداری به مراتب کم‌تر از قدمت بانکداری تجاری است و ثانیاً هر کشوری مطابق با شرایط اقتصادی - سیاسی خود، تجربه متفاوتی از بانکداری توسعه‌ای را عرضه داشته است.

آنچه که اکثر نظریه‌پردازان بانکداری توسعه‌ای تقریباً بر آن اتفاق نظر دارند و تجارب موفق برخی کشورها نیز بر آن صحنه می‌گذارد به شرح زیر است:

بانک توسعه‌ای همان وظایف اصلی بانک تجاری، یعنی تجهیز و تخصیص منابع را انجام می‌دهد، ولی اهداف و راهبردهایش متفاوت است.

هدف اصلی بانک توسعه‌ای، تسهیل و تسریع توسعه اقتصادی از طریق دو راهبرد است:

۱. راهبرد معطوف به نهاد بنگاه،

۲. راهبرد معطوف به نهاد بازار.

در راهبرد اول، بانک توسعه‌ای، منابع مالی بلندمدت را با شرایط به نسبت مناسب از داخل و خارج از کشور تجهیز می‌کند و آن‌ها را با شرایط نسبتاً مناسب و همراه با مشاوره‌های تخصصی به کارآفرینان بخش خصوصی تخصیص می‌دهد.

در راهبرد دوم که معمولاً همگام با راهبرد اول است، بانک توسعه‌ای با اقداماتی

چون حمایت از ایجاد:

1. Development Banking

2. Association of Development Financing Institutions in Asia and the Pacific (ADFIAP)

- نهادها و مؤسسات مالی مانند بازار سرمایه، شرکت‌های بیمه، حسابرسی، ضمانت سرمایه‌گذاری و،
 - نهادها و مؤسسات مشاوره‌ای تخصصی مانند: شرکت‌های مهندسان مشاور، تحقیقات بازاریابی، خدمات مدیریتی و مالی،
 - نهادها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی و اطلاع‌رسانی.
- می‌کوشد ویژگی‌های کارآفرینی و فعالیت بخش خصوصی را تقویت کند و هزینه‌های مبادلاتی^۱ را کاهش دهد.

بانک توسعه‌ای به سبب ارتباطات گسترده با بنگاه‌های اقتصادی (سطح خرد اقتصادی)، تجربه و اطلاعات ارزنده‌ای از فعالیت و مشکلات آن‌ها را به دست می‌آورد، از این‌رو در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان، وضع قوانین کار و تجارت و مالیات (سطح کلان اقتصادی) مشارکت مجدانه می‌جوید و از این طریق به تنظیم روابط اقتصادی و کاهش هزینه‌های مبادلاتی و در مجموع به ارتقای فضای رقابتی در بازار مدد می‌رساند.

نمودار شماره ۱- اهداف و وظایف بانک‌های توسعه‌ای راهبردی معطوف به نهاد بنگاه



با توجه به رسالت بانک‌های توسعه‌ای، دولت‌ها معمولاً جایگاه درخوری برای آن‌ها

در راهبردهای توسعه اقتصادی خود طراحی می‌کنند.^۱

تفاوت بانک توسعه‌ای با بانک تخصصی

در گزارش حاضر، چندین جا در برابر بانک توسعه‌ای از بانک‌های تجاری، تخصصی و سرمایه‌گذاری سخن به میان آمد. در این جا، تفاوت‌های این سه بانک، به طور مختصر شرح داده می‌شود:

۱. **بانک تجاری:** بانکی است که معمولاً در بازار پول فعال است و به تجهیز و تخصیص منابع کوتاه مدت (معمولاً حدود یکساله) می‌پردازد و هدف آن به حداکثر رسانیدن سود است.

۲. **بانک تخصصی:** بانکی است که معمولاً در بازار سرمایه فعالیت می‌کند و به تجهیز و تخصیص منابع میان‌مدت و بلندمدت در زمینه‌های خاص اقتصادی مشغول است و هدف آن به حداکثر رسانیدن سود است.

۳. **بانک توسعه‌ای:** بانکی است که در بازار سرمایه فعالیت دارد و معمولاً به تجهیز و تخصیص منابع بلندمدت در زمینه‌های خاص اقتصادی می‌پردازد و اهداف آن همسو با اهداف برنامه‌های توسعه یا سیاست‌های ملی کشور است.

۴. **بانک سرمایه‌گذاری:** بانکی است که عمدتاً در زمینه معاملات و انتشار اوراق بهادار فعالیت دارد و با اعطای وام‌های بلندمدت به شرکت‌ها و مؤسسات می‌کوشد بر بخش عمده‌ای از سهام آن‌ها دست یابد و مدیریت آن‌ها را در اختیار گیرد. هدف این بانک، بیشینه‌سازی سود^۲ است.^۳

نگاهی به شکل‌گیری بانکداری توسعه‌ای در جهان

1. مباحث مربوط به، بانکداری توسعه‌ای چیست؟ در نمودار اهداف و وظایف بانک‌های توسعه‌ای، برای اولین بار در ادبیات موضوع توسط نگارنده ارائه شده است.

2. Profit maximization

3. مطالب این قسمت نیز از نگارنده است.

بانکداری توسعه‌ای برای جبران کاستی‌های بازار در تأمین منابع مالی بلندمدت و مهارت‌های کارآفرینی لازم در فرایند توسعه اقتصادی اروپای قاره‌ای (اروپای بدون انگلستان) در قرن نوزدهم شروع به نشو و نما کرد.

فرایند صنعتی شدن در انگلستان، آرام، تدریجی و طبیعی انجام شد، چرا که منابع بلندمدت و کارآفرینان هر دو به تدریج رشد یافته و آماده بودند. وقوع انقلاب صنعتی در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ سبب شکاف عظیمی بین وضعیت اقتصادی انگلستان و سایر کشورهای اروپا شد. آن‌ها از افزایش توانایی بنگاه‌های اقتصادی انگلستان در تأمین سرمایه لازم و پیدایش کارآفرینان نوآور، بی‌بهره بودند و ناگزیر از طی روندی سریع شدند. تحقق این امر، مستلزم سرمایه‌گذاری‌های هنگفت برای ایجاد شرکت‌های بزرگ و زیرساخت‌های لازم بود. عدم توانایی نظام بانکداری موجود، ایجاد مؤسسات مالی جدیدی را برای پاسخگویی به نیازهای روزافزون مالی و تأمین مهارت‌های کارآفرینی ایجاب می‌کرد.

گرایش بانک‌های اروپا به سوی روش‌های جدید سازماندهی و سرمایه‌گذاری، در نهایت منجر به پیدایش نوآوری بسیار مهمی در روش بانکداری سنتی در سال ۱۸۲۲ شد. در این سال، بانک سوسیته ژنرال بلژیک^۱ در بروکسل با وظیفه فروش سهام و اوراق قرضه برای تأمین سرمایه مورد نیاز فعالیت‌های تجاری و صنعتی ایجاد شد. این بانک حامی اصلی ایجاد صنایع بلژیک در دهه ۱۸۳۰ بود.

روش بانکداری نوین در اروپا، با ظهور دو بانک «کردی فونسیه»^۲ و «کردی موبیلیه»^۳ فرانسه در سال ۱۸۵۲ به اوج شکوفایی رسید.

بدعت‌های این دو بانک عبارت بودند از:

۱. ایجاد شرکت‌های سهامی،
۲. تمرکز بر سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت،
۳. تجهیز منابع مالی از طریق صدور اوراق بهادار،

1. Société Général Pour Favoriser/ Industrie Nationale
 2. Crédit Foncier
 3. Crédit Mobilier

۴. ترغیب کارآفرینان اقتصادی.

«کردی موبیلیه» تأثیر بسزا و سریعی در توسعه اقتصادی اروپا داشت. این بانک در طول ۱۵ سال فعالیت خود، به رغم برخی نارسایی‌ها و کاستی‌ها، به صورت الگویی برای ایجاد بانک‌های مشابهی در آلمان، اتریش، بلژیک، ایتالیا، سوئیس و اسپانیا درآمد. این بانک‌ها با کمک یا مشارکت کردی موبیلیه تأسیس شدند. نظام بانکداری جدید در تمامی اروپا و در غرب روسیه، با تأسی از تجارب کردی موبیلیه، در صنعتی شدن این کشورها نقش داشت.

بانک‌های جدید در سرمایه‌بسیاری از شرکت‌ها مشارکت جستند و کمک‌های خود را به صورت پذیرهنویسی و صدور سهامی که خود نیز سهام بودند، عرضه کردند. بانک‌های مزبور، در تبدیل شرکت‌های پیشین به شرکت‌های سهامی که مناسب فعالیت‌های بزرگ بودند، تأثیر بسزایی داشتند. از این گذشته، این بانک‌ها، به سبب جلب عموم به خرید سهام، موجب رشد مؤسسات بازار سرمایه شدند. این بانک‌ها به دلیل ذی‌نفع بودن در فعالیت شرکت‌های مورد حمایت، نقش مهمی در ارائه مشاوره‌های فنی و مدیریتی داشتند. به طور خلاصه، کردی موبیلیه و بانک‌های مشابه و پیرو آن، در واقع نقش برنامه‌ریزان، کارآفرینان، وام‌دهندگان و اغلب مدیران را ایفا کردند و در مجموع، برخی از نیازهای اقتصادی اروپا را از راه‌های زیر تأمین نمودند:

- تجهیز سرمایه‌های فراوان از سایر بانک‌ها و اشخاص،
 - به کارگیری سرمایه‌ها برای خرید سهام شرکت‌ها و اعطای وام‌های بلندمدت به آن‌ها،
 - تأسیس شرکت‌های جدید برای ایجاد زیرساخت‌ها و تجهیز معادن و احداث صنایع،
 - وام‌دهی به مؤسسات عمومی،
 - کمک به ایجاد نهادهای بازار سرمایه.
- نکات شایان توجه در مورد بانکداری نوین اروپا را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:
- ارتباطات تنگاتنگ و سازنده بین دولت و بخش خصوصی در روند توسعه اقتصادی،

- حمایت بانکداری نوین از تشکیل و گسترش بازار سرمایه و اتکا بر منابع بلندمدت تجهیز شده از آن،
 - انواع حمایت‌های مالی و مدیریتی از کارآفرینان نوآور.
 بانک‌های «سوسیته ژنرال» و «کردی موبیلیه» الگوی بانک‌های سرمایه‌گذاری^۱ قرن نوزدهم و اشکال اولیه بانک‌های توسعه‌ای قرن بیستم به شمار می‌آیند.^۲
نمودار ۲- پیدایش بانکداری نوین در قرن نوزدهم اروپا و اثر آن بر شکل‌گیری بانکداری توسعه‌ای



مأخذ: نگارنده

از اوایل قرن بیستم، بانک‌های توسعه‌ای در کشورهای مختلف اروپا و با کمک و

1. Investment Banks

2. مطالب این قسمت از کتاب زیر خلاصه شده است:

William Diamond; *Development Banks*, A World Bank, Publication, The John Hopkins University Press, Baltimore, Maryland 21218, 1975, pp.19-29.

حمایت دولت‌ها ایجاد شدند. فعالیت آن‌ها عمدتاً تجهیز منابع میان‌مدت و بلندمدت از منابع گوناگون و تخصیص آن‌ها به بخش‌های اقتصادی به ویژه صنعت بود. از جمله می‌توان بانک‌های زیر را نام برد:

- بانک اعتبارات صنعتی بلژیک (۱۹۱۹)

- بانک اعتبارات ملی (فرانسه) (۱۹۱۹)

- بانک رهنی فنلاند (۱۹۲۴)

- مؤسسه رهنی صنعتی (مجارستان) (۱۹۲۸)

- بانک اقتصاد ملی لهستان (۱۹۲۱)

- مؤسسه مالی ایتالیا (۱۹۳۱)

- مؤسسه بازسازی صنایع (ایتالیا) (۱۹۳۳)

- شرکت توسعه صنعتی بانکداران (انگلستان) (۱۹۳۰)

- بانک توسعه صنعتی (کانادا) (۱۹۴۴)

- هرشل بانک (هلند) (۱۹۴۵)

این بانک‌ها و بانک‌های تقریباً مشابه در سایر کشورهای اروپایی که اشکال تکامل یافته بانک‌های قرن نوزدهم اروپا بودند بانک‌های توسعه‌ای محسوب می‌شوند. با این حال، بانکداری توسعه‌ای به نحوی منسجم، توسط بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه^۱ (بعدها بانک جهانی^۲) در دوره بعد از جنگ جهانی دوم، نظریه‌پردازی و حمایت گسترده شد.

در اواخر جنگ جهانی دوم، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، توسط کشورهای متفق، در سال ۱۹۴۴ و همزمان با ایجاد صندوق بین‌المللی پول، تأسیس شد. این بانک با هدف اولیه انجام اصلاحات مالی، ارزی، تجاری در دوره بعد از جنگ اول شروع به فعالیت کرد، ولی بعد از پایان جنگ دوم، هدف اصلی آن بازسازی کشورهای آسیب دیده از جنگ شد. این بانک که بعدها با گروه مؤسسات و شرکت‌های وابسته، نام «بانک جهانی» را گرفت،

1. International Bank for Reconstruction and Development

2. World Bank

پس از اهداف اولیه، متوجه توسعه اقتصادی کشورها شد و به ویژه هدف همساز کردن کشورهای در حال توسعه با بازار جهانی سرمایه‌داری را تحت عنوان کمک به توسعه این کشورها برگزید و برای تحقق آن به دو دسته فعالیت پرداخت:

۱. اعطای وام‌های سرمایه‌گذاری به کشورهای در حال توسعه عضو،

۲. ارائه خدمات تخصصی به این کشورها.

از جمله خدمات تخصصی ارائه شده توسط بانک جهانی، کمک به ایجاد و تقویت بانک‌ها و مؤسسات مالی توسعه‌ای بوده است.

دوره اواخر دهه ۱۹۴۰ تا دهه ۱۹۶۰، دوره رونق بانک‌های توسعه‌ای محسوب می‌شود؛ زیرا این بانک‌ها توانستند منابع بلندمدت هنگفتی را از داخل و خارج از کشور تجهیز کنند و به طرح‌های مورد نیاز تخصیص دهند.

گفتنی است که اغلب نظرات طرح شده در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ درباره توسعه اقتصادی مبتنی بر دستیابی بر میزان‌های بالاتری از نرخ رشد اقتصادی بود. اگر چه بسیاری از کشورها توانستند با نرخ‌های رشد ۵ درصد تا ۷ درصد در تولید ناخالص ملی مورد حمایت سازمان ملل دست یابند، ولی سطح و کیفیت زندگی مردم در اکثر زمینه‌ها، بدون تغییر باقی ماند. در نتیجه، در دهه ۷۰، گرایش بیشتری به سمت ارزیابی توسعه اقتصادی براساس متغیرهای اقتصادی بیشتر، شکل گرفت؛ به طوری که کاهش یا حذف فقر، نابرابری و بیکاری نیز جزو شاخص‌های توسعه شدند.

دو بانک اصلی توسعه صنعتی ایران - بانک اعتبارات صنعتی و بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران - در این دوره و با حمایت‌های فراوان بانک جهانی تأسیس گردیدند.

جدول ۱- مشخصات برخی از بانک‌های توسعه‌ای

در آسیا در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰

شرح	سال تأسیس	سهم دولتی	مأموریت‌ها	سایر حمایت‌های دولتی
'DBS (سنگاپور)	۱۹۶۸	٪۴۴	توسعه بخش خصوصی	استقراض از بانک دولتی
'KDB (کره جنوبی)	۱۹۵۴	٪۱۰۰	بازسازی ویرانی‌های جنگ	تضمین استقراض
'BPMB (مالزی)	۱۹۷۳	٪۱۰۰	تشویق کارآفرینی	استقراض از بانک دولتی
'IFCT (تایلند)	۱۹۵۹	٪۳۰	توسعه بخش خصوصی	معافیت مالیاتی / تضمین استقراض
'DBP (فلیپین)	۱۹۵۸	٪۱۰۰	توسعه صنعتی و کشاورزی	تضمین استقراض
'BAPINDO (اندونزی)	۱۹۶۰	٪۱۰۰	تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای	استقراض از بانک دولتی
'JDB (ژاپن)	۱۹۵۱	٪۱۰۰	بازسازی اقتصادی	تضمین استقراض
اعتبارات صنعتی (ایران)	۱۹۵۶ (۱۳۳۵)	٪۱۰۰	تشویق و توسعه بخش خصوصی در فعالیت‌های صنعتی	تأمین مالی
توسعه صنعتی و معدنی ایران	۱۹۵۹ (۱۳۳۸)	—	تشویق و توسعه بخش خصوصی و توسعه بازار سرمایه	کمک در تأمین منابع و تضمین استقراض خارجی

توضیحات: بانک JDB در ۱۹۹۹ منحل شد و با مأموریت جدید، بانک توسعه‌ای ژاپن (DBJ) نامگذاری شد.

Source: Koichiro Fukui, Masahisa Koyama, ... (1999) Development Banking in the New Millennium, An Evaluation of Development Banking in Selected Countries and Lessons for the Future, Development Bank of Japan.

1. Development Bank of Singapore (DBS). 2. Korea Development Bank. 3. Bank Pembangunan Malaysia Berhad (BPMB). 4. The Industrial Finance Corporation of Thailand (IFCT). 5. Development Bank of Philippines (DBP). 6. PT Bank Pembangunan Indonesia (BAPINDO). 7. Japan Development Bank (JDB).

در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ تحولات اقتصادی عمده‌ای در سطح بین‌المللی پدید

آمد که اهم آن‌ها عبارت بودند از:

۱. حرکت به سوی تجارت جهانی،

۲. گرایش به سوی اقتصادهای باز،

۳. افزایش رقابت در بازارهای مالی.

بانک‌های توسعه‌ای برخی کشورها، در اثر ادامه پیروی از روش‌ها و سیاست‌های پیشین و اتکای بیش از حد بر حمایت‌های دولتی و نفوذ و دخالت‌های گسترده دولت‌ها در آن‌ها، یا ورشکسته شدند، یا در بانک‌های دیگر ادغام گردیدند یا به فعالیت‌های زیانبار خود ادامه دادند. در این میان، برخی بانک‌های توسعه‌ای توانستند، مأموریت‌ها و راهبردهای خود را اصلاح کنند و با شرایط جدید تطبیق یابند.

در واقع در ربع آخر قرن بیستم، دو نکته اساسی در مورد بانکداری توسعه‌ای آشکار

شد:

۱. فعالیت بانکداری توسعه‌ای در اقتصادهای در حال توسعه، فراتر از تأمین مالی

صرف طرح‌هاست.

۲. تجهیز منابع مالی با اتکای خود و از طریق بازار و بر کنار از یارانه‌ها برای بقای

بانک توسعه‌ای، حیاتی است.

اگر چه در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ به علت توجه شدید به اقتصاد بازار آزاد، با کاهش توجه

به اهمیت نقش بانکداری توسعه‌ای در فضای عمومی بین‌المللی مواجه‌ایم، اما وقوع بحران

مالی ۱۹۹۷-۱۹۹۹ آسیای شرقی، موجب ظهور نگرش جدید به اهمیت بانکداری توسعه‌ای

شد.

پس از پایان بحران، طرح‌های سرمایه‌گذاری که با نگرش تجاری، تأمین مالی شده

بودند، دچار معضلات پیچیده‌ای گردیدند. در حالی که طرح‌هایی که با نگرش تخصصی

بانکداری توسعه‌ای تأمین مالی شده بودند، مشکلات به مراتب کم‌تری را در پی داشتند.

این بحران مالی، دو پیام عمده برای بانکداری توسعه‌ای داشت:

۱. اهمیت اعمال کارشناسی‌های حرفه‌ای بانکداری توسعه‌ای و دوری از نگرش

تجاری در وام‌دهی‌های بلندمدت،

۲. توجه مجدد به نقش بانکداری توسعه‌ای ولی با مأموریت‌های جدید.

طبق اطلاعات ادفی‌آپ^۱ (ADFIAP)، امروزه بیش از ۵۵۰ بانک توسعه‌ای در حدود ۱۸۵ کشور جهان وجود دارد که تقریباً ۱۸ درصد آن‌ها بانک‌های توسعه‌ای بین‌المللی و منطقه‌ای و باقی در سطح ملی‌اند.

میانگین تعداد بانک‌های توسعه‌ای در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به ترتیب کم‌تر از ۳ و بیش‌تر از ۳ بانک است. قاره آمریکا با داشتن حدود ۱۵۰ بانک توسعه‌ای در صدر و اروپا با حدود ۵۰ بانک توسعه‌ای در ذیل این فهرست قرار دارند.^۲

بانکداری توسعه‌ای در ایران

در سال ۱۳۰۹ در بانک ملی، شعبه تخصصی به نام «شعبه فلاحتی» برای اعطای وام به کشاورزان ایجاد شد. این شعبه را می‌توان نخستین اقدام برای ایجاد بانکی تخصصی در ایران دانست و گسترش فعالیت‌های آن، موجب تشکیل بانک مستقلی به نام «بانک فلاحتی و صنعتی ایران» با هدف توسعه کشاورزی و صنعت در سال ۱۳۱۲ شد. این بانک بعد از تغییراتی چند، سرانجام در سال ۱۳۳۴ به «بانک کشاورزی ایران» با هدف توسعه کشاورزی، آبیاری و صنایع روستایی، تغییر نام یافت. این بانک، بعدها دچار تغییراتی شد. دومین بانک کشاورزی که شاید بتوان آن را اولین بانک توسعه‌ای کشاورزی در ایران دانست، «صندوق توسعه کشاورزی ایران» است که با سرمایه دولتی در سال ۱۳۴۷ شروع به فعالیت کرد. از جمله اهداف آن عبارت بودند از: تشویق سرمایه‌گذاری‌های بزرگ خصوصی در کشاورزی و دامپروری، گسترش کشاورزی تجاری، آبادانی زمین‌های بایر و موات و توسعه صادرات محصولات کشاورزی. این صندوق در سال ۱۳۵۲ به «بانک توسعه کشاورزی ایران» تغییر نام یافت و در سال ۱۳۵۸ همراه با بانک تعاون کشاورزی ایران، «بانک کشاورزی» امروز را به وجود آورد.

۱. انجمن مؤسسات مالی توسعه‌ای آسیا و پاسیفیک.

۲. ADFIAP; *Principles and Practices of Development Banking*, 2002, Vol III, p.66

اولین بانک تخصصی ساختمانی در ایران «بانک رهنی ایران» بود که در سال ۱۳۱۷ به منظور اعطای وام برای ساختمان‌سازی، تعمیرات و غیره، در ازای اموال غیرمنقول تأسیس شد. «بانک ساختمانی» در سال ۱۳۳۱ توسط دولت ایجاد شد. در سال ۱۳۵۳ «بانک ساختمان» با مشارکت «بانک رهنی ایران»، «بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران»، «بانک ملی ایران»، «بانک رفاه کارگران»، «شرکت بیمه ایران» و اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر تأسیس شد. وظایف آن اعطای تسهیلات برای توسعه صنعت ساختمان و اجرای طرح‌های عمرانی بود. در سال ۱۳۵۵، «شرکت سرمایه‌گذاری ساختمانی بانک‌های ایران» با سرمایه بانک‌های خصوصی و دولتی و اشخاص حقیقی دیگر تشکیل شد.

در سال ۱۳۵۸، از یکپارچگی بانک ساختمان، شرکت سرمایه‌گذاری ساختمانی بانک‌های ایران و بانک رهنی ایران، همراه با شرکت‌های پس‌انداز مسکن کوروش، اکباتان، پاسارگاد و ... «بانک مسکن» امروزی به وجود آمد. فعالیت‌های این بانک عبارتند از: اعطای تسهیلات برای ساخت، خرید و تعمیر واحدهای مسکونی و تولید مصالح ساختمانی و دریافت وام و اعتبار از منابع داخلی.

نخستین بانک توسعه‌ای صنعتی، «بانک اعتبارات صنعتی» بود که در سال ۱۳۳۵ در برنامه عمرانی دوم، توسط دولت و وابسته به سازمان برنامه و بودجه تأسیس شد. وظیفه آن تشویق و کمک به صاحبان سرمایه‌های خصوصی و تشکیل واحدهای تولیدی صنعتی و معدنی و خدماتی با هدف کمک به توسعه صنعتی کشور بود.

سه سال بعد در سال ۱۳۳۸، نخستین بانک توسعه صنعتی خصوصی، با عنوان «بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران» با ۸۷ درصد سهام ایرانی و ۱۳ درصد سهام خارجی ایجاد شد. هدف این بانک نیز تشویق سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های بخش خصوصی در امور صنعتی و معدنی، تولید و حمل و نقل و گسترش بازار سرمایه بود.

بانک اعتبارات صنعتی، عمدتاً برای مدیریت اعتبارات و کمک‌های اختصاصی دولت در امر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تشکیل شد، در حالی که بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران با تأکید بر اعطای تسهیلات برای طرح (نه افراد) و پرهیز از اعمال نظرات

مدیریت دولتی در اعطای تسهیلات به وجود آمد.

صندوق ضمانت صنعتی نیز در سال ۱۳۳۹ با همکاری مشترک ایران و ایالات متحده امریکا به منظور حمایت از صنایع کوچک پدید آمد. در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲) دو بانک «توسعه و سرمایه‌گذاری ایران» و «شرکت سرمایه‌گذاری بانک‌ها» و سه بانک توسعه‌ای منطقه‌ای آذربایجان، خزر و خوزستان، با هدف توسعه صنعتی در سطح ملی و منطقه‌ای به وجود آمدند.

منابع مالی بانک‌های توسعه صنعتی در قبل از انقلاب، عمدتاً عبارت بودند از:

- مساعده‌های بدون بهره بانک مرکزی با بازپرداخت ۲۰ ساله،
- وام‌های مستقیم دولت از طریق وزارت صنایع و معادن و سازمان برنامه و بودجه،
- وام‌های امانی دولت از طریق وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف،
- منابع حاصل از فروش سهام کارخانه‌های دولتی،
- وام‌های ارزی از بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه با تضمین دولت،
- منابع حاصل از فروش سهام بانک‌های خصوصی به عموم و فروش سهام متعلق به دولت در بانک‌های دولتی به عموم و استفاده از وجوه حاصل به صورت وام بدون بهره،
- دریافت وام‌های ارزی سندیکایی از بانک‌های خارج،
- اعطای معافیت‌های مالیاتی،
- انتشار اوراق قرضه در خارج از کشور.

علاوه بر این‌ها، به موجب مصوبات شورای اقتصاد هزینه‌های مالی، مازاد بر ۸ درصد ناشی از اعتبارات دریافتی از خارج کشور به صورت کمک بدون بهره توسط دولت به این بانک‌ها پرداخت می‌شده است. این بانک‌ها در شرایط بسیار مساعد اقتصادی - سیاسی ملی و بین‌المللی و در جایگاه تعریف شده‌ای در برنامه‌های عمرانی دوم تا پنجم (۱۳۴۱-۱۳۵۶) مأموریت تأمین منابع مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری را همراه با چند بسترسازی برای توسعه بخش خصوصی به منظور کمک به توسعه صنعتی کشور بر عهده داشتند. عمده منابع آن‌ها (چه دولتی و چه خصوصی) از محل وجوه دولتی و کمک‌ها و وام‌های خارجی با بهره‌های

نازل تأمین می شده است. اگرچه میزان پرداختی این بانک‌ها به طرح‌ها و واحدهای صنعتی و معدنی به حدی بود که در مجموع حدود ۴۱ درصد از کل سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن کشور را در طول دوره ۱۳۵۷-۱۳۳۹ تشکیل می‌داده است، به طوری که در ایجاد اکثر واحدهای صنعتی مهم کشور نقش داشته‌اند و هر چند نیز در شکل‌گیری و تقویت مؤسسات و نهادهای مالی و آموزشی و ایجاد بازار بورس مشارکت داشته‌اند، ولی در مجموع عملکرد کیفی آن‌ها از دید توسعه صنعتی، متناسب با عملکرد کمی آن‌ها نبوده است. عملکرد حدود ۲۰ سال بانکداری توسعه صنعتی ایران در قبل از انقلاب، از نظر ترکیب صنایع مورد حمایت، توزیع جغرافیایی وام‌های اعطایی و همچنین غفلت تقریباً کامل از ترغیب فناوری درونزا، چندان به سمت وجه غیر فیزیکی توسعه صنعتی نبوده است. در واقع نگرش عمدتاً کمی و فیزیکی به توسعه صنعتی این بانک‌ها که از نگرش سیاستگذاران و برنامه‌ریزان توسعه کشور نسبت به توسعه صنعتی تأثیر می‌پذیرفته و ریشه در ساختار خاص اقتصاد سیاسی ایران داشته است، در دوره بعد از انقلاب اسلامی نیز همچنان ادامه یافت.

پس از وقوع انقلاب اسلامی، چهار بانک توسعه صنعتی و یک مؤسسه اعتباری صنایع کوچک در هم آمیختند و بانک صنعت و معدن در سال ۱۳۵۸ زاده شد؛ بانکی که در اثر اجرای قانون حفاظت صنایع، وارث ۱۰۶ شرکت اغلب زیانده گردید و پس از آن نیز در اجرای لایحه ۶۷۳۸ واحدهای زیانده دیگری به این مجموعه پیوستند. متأسفانه سیاستگذاران کلان اقتصادی کشور، دیگر جایگاهی برتر از این برای یگانه بانک توسعه صنعتی در نظام اقتصادی کشور قائل نشدند. بانک تازه تأسیس که تا قبل از آن سخت متکی به منابع غیرداخلی بود، به ناچار برای گذران امور خود و انجام فعالیت جدید بنگاه‌داری، عمدتاً به منابع محدود حاصل از این فعالیت متکی شد. اقدام دیر هنگام این بانک برای تجهیز منابع از بیرون، تاکنون نتوانسته نیازهای برنامه‌ای آن را تأمین کند. رفتن بانک به زیر نظارت وزارتخانه صنایع و معادن نیز مشکلات و مسائل خاص خود را یافته است.

در گزارشی که در سال ۱۳۸۱ توسط نمایندگان بانک‌های صنعت و معدن، مسکن، کشاورزی و توسعه صادرات برای ارائه در همایش «چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران»

به منظور شروع تدوین برنامه چهارم توسعه در سرفصل «تجهیز منابع سرمایه‌ای» تهیه شد، کمبود منابع مالی این بانک‌ها تقریباً مشابه مطرح شده بود.

از مرور روند تحولات بانکداری توسعه‌ای در جهان و ایران، مشکلات و نارسایی‌های بانکداری توسعه‌ای ایران را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. دولتی بودن کامل این بانک‌ها و عدم همسویی منافع مدیران و کارکنان آن‌ها با منافع بانک (الگوی تضاد منافع) و وابستگی شدید آن‌ها به انواع حمایت‌های مالی و غیرمالی و نفوذ خواست‌های غیرعقلایی دولتمردان در مدیریت و فعالیت‌های بانک‌ها.

۲. حضور مدیران اغلب غیرمتخصص و غیرمغرب، به‌ویژه در دوره بعد از انقلاب در رأس این بانک‌ها.

۳. تأکید فعالیت این بانک‌ها بر شاخص‌های ظاهری و کمی اقتصادی مانند افزایش تعداد و میزان سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی و غفلت تقریباً کامل از جنبه‌های توسعه اقتصادی مانند ترغیب نوآوری‌ها و فناوری‌های درونزا و تحول استانداردهای تولید و فعالیت‌های اقتصادی که از ضروریات بانکداری توسعه‌ای موفق است.

۴. ضعف یا فقدان یک نظام ارزشیابی و انگیزشی مناسب نیروی انسانی که به ویژه در دوره بعد از انقلاب موجب خروج گسترده کارشناسان و مدیران قابل و شایسته از بانک‌ها شده است.

۵. درگیر شدن با امور شرکت‌داری در دوره بعد از انقلاب (ناخواسته یا خواسته) و دوری از روح بانکداری (این امر به ویژه در مورد بانک صنعت و معدن صدق می‌کند).

۶. عدم تحول در روش‌ها و فرایندهای بررسی و ارزیابی طرح‌ها (برای مثال نگرش غالب مبتنی بر سیاست جایگزینی واردات در بررسی بازار طرح‌ها).

۷. استفاده شتابزده از مشاوران خارج بانک برای تهیه گزارش‌های توجیهی و امر نظارت بر اجرای طرح‌ها در بانک صنعت و معدن و پیروی تدریجی سایر بانک‌ها از این روش به‌طور نسنجیده در حالی که نه تنها در بانک‌ها، روش‌ها و فرایندهای نوین و منسجم و یگانه‌ای در بررسی طرح‌ها وجود ندارد، بلکه شرکت‌های مشاور نیز با بسیاری از این مفاهیم

بیگانه‌اند و بین آن‌ها و بانک‌ها، هنوز زبان مشترکی به وجود نیامده است. به طور خلاصه می‌توان گفت که در بانک‌های توسعه‌ای ایران - که به حق نباید از آن‌ها به عنوان بانک توسعه‌ای، بلکه بانک تخصصی یاد کرد - یک نظام حکمرانی خوب^۱ به هیچ وجه وجود نداشته است. در نتیجه، گستره نظارت بر عملکرد مدیران و پاسخگویی به ذی‌نفعان اصلی بانک (سهامداران، مشتریان و کارکنان) و به طور کلی فضای رقابتی، در سطح نازلی قرار داشته است.

تجزیه و تحلیل تأسیس بانک توسعه سرمایه‌گذاری جدید

در مقدمه مقاله حاضر، بیان شد که تصمیم‌گیری در مورد تأسیس چنین بانکی، امری راهبردی است و برای توجیه آن نیز، مرور به نسبت مفصلی از تجارب بین‌المللی و تجربیات کشورمان و مستنداتی از متون نظری و کاربردی در بانکداری توسعه‌ای ارائه شد.

بر مبنای مطالب ارائه شده، می‌توان نتیجه گرفت که: آزموده را آزمودن، خطاست! بانکی که از طریق مالکیت و منابع (آن‌هم منابع عمدتاً یارانه‌ای) سخت به دولت وابسته باشد، از فضای رقابتی به دور خواهد ماند و زود یا دیر به زیاندهی و ورشکستگی در خواهد افتاد. اگرچه در جهان، بانک‌های توسعه‌ای ۱۰۰ درصد دولتی ولی موفق داریم مانند: بانک توسعه‌ای کره (KDB)، بانک توسعه‌ای ژاپن (JDB)، بانک توسعه‌ای در آلمان (KFW) و تا حدی بانک توسعه‌ای مالزی (BPMB)^۲، ولی ذکر چند نکته اهمیت دارد:

۱. ساختار اقتصاد سیاسی و به تبع آن ساختار حقوقی کشورهای یاد شده، از ساختارهای ایران، سخت متفاوت‌اند.
۲. منابع هیچ‌کدام از این بانک‌ها، تماماً دولتی و یارانه‌ای نیست، بلکه بخشی از منابع آن‌ها از بازار سرمایه و سایر مجاری تجهیز می‌شود.
۳. تمامی این بانک‌ها در تخصیص منابع، مأموریت‌ها و اولویت‌هایی را برگزیده‌اند که در سرتاسر حدود ۵۰ سال سابقه بانکداری توسعه‌ای در ایران، چنین امری، محلی از اعراب

1. Good Corporate Governance
2. Koichiro Fukui...., op.cit.

نداشته است. برای مثال، بانک توسعه‌ای مالزی، توجه خود را در سال ۱۹۹۹ بر کارآفرینی^۱ متمرکز نمود؛ بانک توسعه‌ای کره در همین سال، توسعه فناوری‌های پیشرفته را مد نظر قرار داد؛ بانک توسعه‌ای ژاپن نیز در سال مشابه، دو اولویت صادراتی بودن طرح‌ها و همچنین برخورداری از واحدهای تحقیق و توسعه را در تخصیص منابع، منظور داشت و بانک توسعه‌ای در آلمان (KfW)، در مأموریت خود در سال ۱۹۹۴، ارتقای فعالیت‌های تحقیق و توسعه را در پیش گرفت.

در تأسیس بانک توسعه سرمایه‌گذاری که بانی‌ت خیر تخصیص بهتر منابع مهمی چون حساب ذخیره ارزی و درآمد حاصل از فروش شرکت‌های دولتی، در قالب تغییر یافته یکی از بانک‌های دولتی موجود مورد نظر قرار گرفته است، پرسش‌هایی مطرح می‌شود:

- چرا وضعیت بانک‌های دولتی، مناسب انجام این رسالت نیست؟
- آیا امکان تغییر وضعیت آن‌ها وجود دارد؟
- آیا وابستگی بانک به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌تواند یکی از راه‌های تغییر بانک به سوی وضعیت بهتر و انجام مأموریت مورد نظر باشد؟
- از دید نگارنده، در شرایط موجود هم می‌توان از وضعیت نامناسب به وضعیت بهتر دست یافت، به شرط آن که این تغییر وضعیت با شتابزدگی صورت نگیرد و تلاش شود از تجارب بین‌المللی و تجربیات کشور خودمان در بانکداری توسعه‌ای به خوبی بهره‌گیریم.
- به منظور تجزیه و تحلیل تأسیس بانک توسعه سرمایه‌گذاری و به منظور تخصیص بهتر منابع یارانه‌ای دولتی، مزایا و مشکلات آن را بر می‌شکافیم:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

مزایای تأسیس بانک جدید

۱. استفاده بهتر از منابع یارانه‌ای دولتی

این امر در صورتی محقق خواهد شد که نظام حکمرانی شرکتی مناسبی برای بانک جدید

طراحی کنیم.

۲. تغییر در وضعیت یکی از بانک‌های دولتی

این تغییر اگر با توجه به دانش نوین بانکداری و تجارب بانکداری توسعه‌ای جهانی و ایران و با عنایت به شرایط کلان محیطی انجام شود، مثمرتر خواهد بود.

۳. وابستگی بانک دولتی موردنظر به سازمان برنامه و بودجه

به نظر می‌رسد که در هر حال خروج بانکی دولتی (به‌طور مثال بانک صنعت و معدن) از سیطره یک دستگاه اجرایی خاص و استقرار آن تحت نظارت یک نهاد سیاستگذاری می‌تواند تا حدی، وضعیت بهتری را به بار آورد.

۴. مشکلات تأسیس بانک جدید

۱. وابستگی بانک موردنظر به منابع دولتی که عمدتاً جنبه یارانه‌ای و رانتی دارند، احتمال دور شدن هر چه بیش‌تر از فضای رقابتی و در نتیجه زیاندهی و ورشکستگی آتی آن را در پی خواهد داشت. از این گذشته وابستگی شدید بانک به دولت، فضای نفوذ دولتمردان بر سیاست‌های بانک و دخالت آنان را در فعالیت‌های جاری بانک می‌گشاید که خود منجر به انحراف بانک از تخصیص مناسب منابع خواهد شد.

۲. بانک‌های توسعه‌ای به علت انجام وظایف تخصصی و حرفه‌ای معمولاً در یک یا چند رشته اقتصادی مرتبط فعالیت می‌کنند؛ مثلاً:

- کشاورزی و صنایع روستایی،
- صنعت و معدن،
- مسکن و ساختمان،
- عمرانی و زیرساختی.

از این‌رو فعالیت همزمان در کلیه زمینه‌های اقتصادی (موضوع مندرج در سطر دوم طرح) باعث کاهش کیفیت امور کارشناسی بانک می‌شود. حتی اگر برخی از وظایف

تخصصی بانک توسعه‌ای مانند بررسی (امکان‌سنجی) طرح‌ها و نظارت بر اجرای طرح‌ها را بر عهده مشاوران بیرون بانک بگذاریم، امر ارزیابی طرح‌ها (Project Appraisal) و به‌طور کلی نظارت بر عملکرد مشاوران، کار به مراتب تخصصی‌تری است که تنها از عهده کارشناسان با تجربه و مجهز به دانش نوین بر می‌آید.

۳. منابع پیشنهادی برای تأمین سرمایه بانک، منابعی پرنوسان، متزلزل و بعضاً موقتی یا غیرقابل دسترس‌اند. از آن‌جا که امیدی به سودآوری چندان بانک در شرایط موجود نخواهد بود، بنابراین بر سود عملکرد بانک نیز نمی‌توان به‌عنوان منبعی قابل اعتماد و قابل ملاحظه تکیه کرد.

۴. اولویت‌های تعیین شده توسط هیأت امنای حساب ذخیره ارزی در استفاده از تسهیلات آن عبارتند از:

- تشویق سرمایه‌گذاری در مناطق کم‌تر توسعه یافته،
 - نوسازی و بازسازی صنایع نساجی،
 - نوسازی صنعت قند،
 - توسعه صنایع کشتی‌سازی،
 - احداث کارخانه‌های جدید سیمان،
 - تجهیز ناوگان هوایی،
 - تجهیز ناوگان کشتی‌های کوچک خلیج فارس،
 - کمک به پیمانکاران ایرانی حاضر در مناقصه‌های بین‌المللی،
 - ایجاد ناوگان کشتیرانی در دریای خزر.
- با توجه به اولویت‌های یاد شده، نمی‌توان انتظار جذب تسهیلات قابل توجهی از این حساب برای اعطا به طرح‌های سودآور را داشت.

پیشنهادها

با توجه به نقد مختصر طرح تشکیل بانک توسعه سرمایه‌گذاری دو گزینه زیر پیشنهاد

می‌شود:

الف) توزیع منابع یاد شده بین بانک‌های تخصصی موجود (بانک‌های صنعت و معدن، مسکن، کشاورزی و توسعه صادرات ایران)، به‌منظور تخصیص براساس تخصص‌های آن‌ها (اکثر زمینه‌های اقتصادی مورد نظر پیشنهاددهندگان طرح).

چنان‌چه این گزینه انتخاب شود، باید تغییراتی اساسی برای تخصیص بهتر منابع در ساختار این بانک‌ها داده شود.

ب) منابع مورد نظر با شرط تغییر اساسی ساختار آن در اختیار یک بانک تخصصی موجود که گستره فعالیت وسیع‌تری دارد قرار گیرد تا کیفیت کارشناسی تخصیص منابع رعایت گردد.

در صورت انتخاب هر یک از گزینه‌های پیشنهادی، تحقق چند شرط راهبردی زیر کاملاً ضروری و بدیهی است:

۱. طراحی نظام حکمرانی شرکتی (Corporate Governance) برای بانک یا بانک‌های مورد نظر؛ امری است که نه تنها در سطح هیچ یک از بانک‌های تخصصی وجود ندارد، بلکه تمامی بانک‌های دولتی و خصوصی موجود فاقد آن هستند.
از جمله مواردی که در این زمینه شایان تأکیدند عبارتند از:

۱-۱. تعیین مجمع و هیأت مدیره‌ای از صاحب‌نظران، با تجربه و دانش‌های متفاوت و مرتبط با موضوع فعالیت‌های بانک و تا حد امکان بر کنار از سیاستمداران،

۱-۲. مدیر عامل متخصص و با تجربه در علوم و امور بانکی و مالی،

۱-۳. عدم عضویت مدیر عامل (مقام اجرایی) در هیأت مدیره (مقام نظارتی) یا حداقل ممنوعیت انتخاب وی به‌عنوان رئیس هیأت مدیره،

۱-۴. طراحی نظام مناسب ارزشیابی و انگیزشی نیروی انسانی،

۱-۵. تعیین نقش مناسب کارکنان بانک در تصمیم‌گیری‌های راهبردی آن،

۱-۶. طراحی نظام مناسب مشتری‌گرایی که گستره‌ای به‌مراتب فراتر از محدوده

«طرح تکریم ارباب رجوع» دارد.

- ۱-۷. انجام حسابرسی‌های مالی و عملیاتی ادواری بانک توسط نهادی معتبر و مستقل،
- ۱-۸. تلاش برای پیوند بانک با بازار سرمایه و یافتن ابزارها و روش‌های جدید تجهیز منابع مالی،
- ۱-۹. بازنگری اساسی در روش‌های بررسی، ارزیابی و نظارت طرح،
- ۱-۱۰. برقراری ارتباطات علمی نظام‌مند با مراکز آموزشی و پژوهشی معتبر داخلی و خارجی در زمینه موضوعات مرتبط،
- ۱-۱۱. برقراری ارتباطات علمی با بانک‌های موفق توسعه‌ای و انجمن‌ها و اتحادیه‌های بانک‌های توسعه‌ای در جهان،
- ۱-۱۲. حمایت از تقویت یا ایجاد نهادها و مؤسسات آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای بخش خصوصی مرتبط با موضوع فعالیت‌های بانک،
- ۱-۱۳. بررسی عملکرد اعطای تسهیلات از محل حساب ذخیره ارزی از ابتدا تاکنون به منظور پیشگیری از انحرافات و اشتباهات احتمالی گذشته و یافتن روش‌های مناسب نظارتی در این زمینه.
۲. اعطای اختیارات و استقلال بیش‌تر به بانک‌های مورد نظر در تدوین و اجرای مقررات و آیین‌نامه‌ها.
۳. الزام قانونی بانک‌های مورد نظر به تنوع بخشی در منابع مالی و عدم اتکا به منابع دولتی و پیوند با بازار سرمایه.

یادداشت‌ها

۱. مفهومی که از کارآفرین در کشور ما رایج است مانند بسیاری از مفاهیم، متفاوت است از آنچه که در دنیای پیشرفته استفاده می‌شود. در ایران، به هر کسی که کار و کسبی را راه بیاندازد، یا حداکثر کاشف فرصت‌های جدیدی باشد کارآفرین می‌گویند؛ در حالی که کارآفرین واقعی کسی است که فرصت‌ها را خلق می‌کند و مزیت رقابتی به وجود می‌آورد.

۲. به نظر می‌رسد که دست کم در اقتصاد ایران، ما مختار به انتخاب بین یکی از گزینه‌های بد یا بدتر یا حداکثر بد و خوب هستیم و فعلاً انتخاب بهینه‌ای (بهترین) را نمی‌توان متصور بود. بنابراین بهتر است از کاربرد بی‌رویه و سهل‌انگارانه واژه «بهینه» پرهیز کنیم.

۳. گفتنی است که حسابرسی موجود در ایران، دستخوش نارسایی‌هایی است. برای مثال در آن، ارزش واقعی بنگاه‌ها منعکس نمی‌شود؛ از شاخص‌های عملیاتی مانند رضایتمندی مشتریان و کیفیت نیروی انسانی بنگاه‌ها غفلت می‌شود و مخاطرات فعالیت بنگاه‌ها، به حساب نمی‌آیند. از این رو چنانچه حسابرسی درستی اعمال شود، چه بسا، تراز مالی اکثر بنگاه‌های اقتصادی و از جمله بانک‌ها زیان نشان دهند.

از این گذشته، بانک‌های توسعه‌ای مانند بانک‌های تجاری دنبال به حداکثر رسانیدن سود نیستند، بلکه برای تحقق اهداف توسعه‌ای خود، می‌کوشند با استفاده از پرتفوی منابع خود، سود را بهینه سازند (Profit Maximization) به عبارت دیگر درجه سودآوری بانک‌های توسعه‌ای معمولاً کم‌تر از آن بانک‌های تجاری است. ولی در هر حال این بانک‌ها برای استمرار بقای خود باید سودآور باشند.

منابع و مأخذ

۱. ایرانمنش، محمد. «بانک‌های توسعه‌ای، تعریف، وظایف، نقش‌ها و فعالیت‌ها»، گزارش داخلی بانک صنعت و معدن، ۱۳۷۳.
۲. ایرانمنش، محمد. «پیشینه تاریخی بانک‌های توسعه‌ای در جهان»، بانک صنعت و معدن، ۱۳۷۳.
۳. ایرانمنش، محمد. «نقش بانک‌های توسعه‌ای در فرایند توسعه اقتصادی، همراه با مروری بر عملکرد بانک صنعت و معدن در گذشته و جایگاه آن در آینده»، بانک صنعت و معدن، ۱۳۷۸.
۴. ایرانمنش، محمد. «تاریخچه مختصر بانک‌های تخصصی در ایران»، بانک صنعت و معدن، ۱۳۷۳.
۵. خاکزاد، احمدرضا. *بانکداری توسعه‌ای در هزاره جدید*. معاونت برنامه‌ریزی و سیستم‌ها، مدیریت نهادها و ابزارها، بانک صنعت و معدن، ۱۳۸۱.
۶. عظیمی، حسین. *نقش بانک‌های توسعه در رشد صنایع، با توجه خاص به بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران*، انتشارات دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
۷. گزارش آماری فعالیت‌های بانک اعتبارات صنعتی از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۷، خرداد، بانک صنعت و معدن، ۱۳۶۰.
۸. نقش بانک‌های تخصصی در اقتصاد ایران، اداره بررسی‌های اقتصادی. بانک مرکزی، ۱۳۵۹.

9. Association of Development Financing Institutions in Asia and
10. Diamond, William; *Development Banks*, A World Bank Publication, The John Hopkins University Press, 1957.
11. Diamond, William; *Development Finance Companies, Aspects of Policy and Operation*, The John Hopkins Press for the World Bank Group, 1968.
12. Fukui, Koichiro; Koyama (1999), Masahisa, Saeki, Yoshitaka; Mori, Kazuyuki; Shibate, Tsutomu; Inaba, Yoji: *Development Banking in the New Millennium, An Evaluation of Development Banking in Selected Countries and Hessonns for the Future*, Development Bank of Japan (DBJ) & Japan Economic Research Institute (JERI).
- The Pacific (ADFIAP): *Principles & Practices of Development Banking*, Vol.3, ADFIAP, 2002.
13. ADFIAP: *Development Financing in Asia & the Pacific Its Evolution & Impact*, Vol.I; India, Malaysia, Pakistan, Philippines, Thailand, ADFIAP, 2000.
14. Searchlight on Development Banking, A Compendium of IFCT Silver Jubilee Memorial Lectures, 1973-1988, Industrial Finance corporation of India, 1984.
15. Boskey, Shirly; "Problems and Practices of Development Banks", *International Bank for Reconstruction and Development*, the John Hopkins

- Press, Baltimore, 1959.
16. UNIDO, *Development Banking* in the 1980 selection from the proceedings of the UNIDO/ World Bank symposium, Zurich, June 1979, UN, New York, 1980.
17. Adler, Robert W; "Public External Financing of Development Banks", Bureau of Business and Economic Research, University of Oregon, 1966.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی